

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

# تحلیل و بررسی تابوهای داستان فارسی

«از ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۰»

نگارش: وجیهه تیموری

استاد راهنما: دکتر سعید حمیدیان

استاد مشاور: دکتر سیروس شمیسا

استاد مشاور: دکتر حسین پاینده

رساله برای دریافت درجه دکتری

در رشته زبان و ادبیات فارسی

شهریور ۱۳۸۹

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها  
کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: تحلیل و بررسی تابوهای داستان فارسی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۰
نویسنده/محقق: وجیهه تیموری
مترجم: ندارد
استاد راهنما: دکتر سعید حمیدیان استادان مشاور: دکتر سیروس شمیسا/ دکتر حسین پاینده استادان داور: دکتر شیرزاد طائفی / دکتر عبدالامیر چناری
کتابنامه: ندارد      واژه‌نامه: ندارد
نوع پایان‌نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> توسعه‌ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>
مقطع تحصیلی: دکتری (phd)      سال تحصیلی: ۱۳۸۸-۱۳۸۹
محل تحصیل: تهران      نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی
تعداد صفحات:      گروه آموزشی: ادبیات فارسی
کلید واژه‌ها به زبان فارسی: داستان، تابو، تابوهای جنسیتی، خودسانسوری، هویت ایرانی
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی: Story, taboo, taboos based on gender, self-censorship, iranian identity

## چکیده

**الف. موضوع و طرح مساله (اهمیت موضوع و هدف):** «تابو» به عنوان یک بر ساخته‌ی اجتماعی و فرهنگی دارای ابعاد مختلفی است که از سویی ترس‌ها و هراس‌های ناخودآگاه و از سویی امیال و غرایز پنهان افراد یک اجتماع را نشان می‌دهد. یکی از بسترهای بازشناسی و واکاوی تابوها متون داستانی است. ادبیات داستانی مبتنی بر عوامل متعددی از جمله تجربیات فردی، ذهنیات شخصی و واقعیات اجتماعی است و تابوهای یک اجتماع نیز برخاسته از این عوامل و موثر بر این عوامل است. در این رساله تابوها به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده‌ی هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه در ارتباط با هویت اجتماعی و فردی ایرانیان مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از منظر زنان و مردان نویسنده و از خلال داستان‌هایشان معرفی و بررسی می‌شوند. در این راستا تلاش شده است با بسط مفاهیم نظری تابو در گستره‌ی اجتماع ایران و ادبیات داستانی معاصر، ویژگی‌ها و شاخصه‌های پنهان و برجسته‌ی هویت جامعه‌ی ایرانی در عصر امروز مورد بررسی و شناسایی بیشتر قرار گیرد.

**ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها:**  
در این رساله، اصطلاح تابو بر اساس آراء بزررگان مکاتب روانشناسی و مردمشناسی همچون فروید، وونت، لوی استروس، فریزر و ... تعریف و شناسایی و دسته‌بندی شده است که از جمع‌بندی و مقایسه‌ی این آراء مشخص می‌شود که تابوها مفاهیم و باورهای مسلط و رایجی هستند که دو معنای متضاد پاک و مقدس و حرام و نجس را در خود دارند. قانون تابو منع تماس با شخص، شیء یا امر تابو شده است و تابوشکنی مجازات حتمی و سختی را متوجه تابوشکن می‌کند. دو فرض اصلی بر ساخته از این منابع عبارتند از:

۱- تابوها برخاسته از امیال و آرزوهای ناخودآگاه بشر هستند.

۲- هرچه منع تابویی شدیدتر باشد، میل به انجام آن هم شدیدتر است.

بر اساس این دو فرض پرسش‌های زیر مطرح و پاسخ داده می‌شوند:

۱- تابوهای رایج در جامعه‌ی ایران امروز کدامند؟

۲- توانایی متون داستانی در معرفی این تابوها تا چه حد است؟

۳- شناسایی این تابوها چه اهدافی را تامین می‌کند؟

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه‌ی مورد تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه‌ی اجرای آن، شیوه‌ی گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها: روش تحقیق در این رساله کتابخانه‌ای و مبتنی بر متون داستانی و تئوری‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و روانشناسی است. جامعه‌ی آماری این تحقیق بر اساس متون داستانی نوشته شده در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۰ تعیین شده است و متون داستانی با توجه به فراوانی منابع کتابخانه‌ها یا کتابفروشی‌ها انتخاب شده‌اند و سعی شده است هم از داستان‌های زنان نویسنده مطالعه شود، هم از داستان‌های مردان نویسنده. نوع ادبی این آثار (پاورقی، داستان کوتاه و بلند، رمان) و سطح ادبی آن‌ها (عامه‌پسند و نخبه‌پسند) متنوع است. با تبیین تئوری‌های مربوط به تابو و انواع آن در جامعه‌ی ایران و شناسایی تابوهای ایرانی، متون داستانی منتخب مطالعه شدند. سپس مصادیق این تابوها و نحوه‌ی بازتاب آن‌ها در داستان‌ها بررسی و تحلیل شدند، چرا که تابوها بر اساس جنسیت نویسنده و قهرمان داستان و سال‌های مختلف تاریخ اجتماعی ایران متفاوت هستند. کلیدی مواردی که از شناخت تابوهای ایران در داستان‌ها یافت شده‌اند در دو بخش کلی داستان‌های زنان نویسنده و مردان نویسنده دسته‌بندی و مقایسه شده‌اند و نتایج حاصل از این مقایسه در بخش جداگانه‌ای ارائه شده‌اند.

ت. یافته‌های تحقیق: بر اساس متون داستانی مطالعه شده و تعاریفی که از تابو و انواع آن شده است، تابوهای جامعه‌ی ایرانی در سه دسته‌ی مهم تابوهای جنسی، تابوهای قدرت و

تابوهای عرفی و عمومی دسته‌بندی می‌شوند که تحت تاثیر زمان نگارش داستان و شرایط اجتماعی و تاریخی آن دوران تغییر می‌کنند. جنسیت نویسنده در انتخاب این تابوها تاثیر دارد. برخی تابوها در آثار زنان مطرح نشده‌اند و برخی تابوها در آثار مردان بسیار پررنگ و مهم هستند، مثلاً تمایل مردان به طرح انواع تابوهای قدرت بسیار بیشتر از زنان است. نشانگان ادبی و انواع

آرایه‌های بیانی و بدیعی در طرح غیرمستقیم تابوها در داستان‌های زنان بسیار است و داستان‌های مردان از این حیث مصادیق کمتری دارند. سبک ادبی داستان نویسی (سوررئالیسم، پست مدرنیسم) یا انواع برخوردارهای روانکاوانه و درونگرایانه در پنهان کردن و درونی کردن نیات نویسنده از تابوشکنی‌های مطرح شده در داستان موثر است.

ث. نتیجه‌گیری و پیشنهادات: از مقایسه و جمع‌بندی یافته‌های به دست آمده در این رساله می‌توان نتیجه گرفت که یکی از بهترین بسترهای شناسایی نشانگان فرهنگ عامه و مردم‌شناسی افراد اجتماع، مطالعه‌ی تولیدات داستانی است و تابوها نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین این نشانگان در متون داستانی متجلی می‌شوند. زبان داستان‌ها و تابوهای مطرح شده در آنها ارتباط تنگاتنگی با جنسیت نویسنده و طبقه‌ی اجتماعی و قهرمانان داستان دارند و زمان خلق آثار داستانی از حیث حوادث اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... بر تولد یا مرگ تابوها تاثیر دارند.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را

گواهی می‌نمایم. نام استاد راهنما:

سمت علمی:

رئیس کتابخانه: نام دانشکده:

## چکیده:

تابو به عنوان یک بر ساخته‌ی اجتماعی و فرهنگی دارای ابعاد مختلفی است که از سویی ترس‌ها و هراس‌های ناخودآگاه و از سویی امیال و غرایز پنهان افراد یک اجتماع را نشان می‌دهد.

هدف اصلی این رساله استفاده از پتانسیل‌های بی‌شمار متون داستانی به عنوان یکی از انواع ادبی در به دست آوردن نتایج کاربردی و سودمندی است که ارزش‌های جامعه‌شناختی و روانشناختی داشته باشند. ادبیات هر ملت، نشان دهنده‌ی فرهنگ و تاریخ اجتماعی آن ملت است و در این میان متون داستانی از آنجا که نشان دهنده‌ی واقعیات و ذهنیات فردی و تجربیات شخصی هستند و جامعه‌ی سانسور نشده‌ی هر دوره را نشان می‌دهند، برای کاوش‌های جامعه‌شناختی و روانشناختی بسیار غنی و پربارند.

تابوها از جمله مفاهیم مردم‌شناسانه‌ای هستند که درآینه‌ی ادبیات به خوبی منعکس شده‌اند و می‌توان از منظر متون ادبی آن‌ها را شناخت و بررسی کرد.

در این رساله تئوری‌ها و نظرات مختلف مربوط به تعریف و دسته‌بندی تابوها جمع‌آوری و پس از مرحله‌ی شناخت و تعریف تابو، مصادیق عینی و امروزی آن‌ها در جامعه‌ی ایران معرفی شده‌اند.

مصادیق تابوها در جامعه‌ی ایرانی در حدود ۳۰۰ اثر نوشته شده از زنان و مردان نویسنده‌ی معاصر ایرانی بررسی و پیگیری شده‌اند. از مقایسه و ملاحظه‌ی این تابوها نتایج جالبی به دست آمده است که ارزش‌های کاربردی فراوانی هم به لحاظ تفاوت‌های ادبی نویسندگی در زنان و مردان و هم به لحاظ تحلیل‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی دارند.

نحوه‌ی برخورد زنان و مردان نویسنده با تابوها در آثارشان و تاثیر جنسیت در تابوشکنی و انعکاس آن در داستان‌ها نشان می‌دهد که هویت فردی مستقل و جدیدی از زنان و مردان ایرانی و مطالبات آن‌ها، چهره‌ی جدید و متفاوتی از هویت جامعه‌ی ایرانی و ترس‌ها و غرایز

پنهان نسل‌های معاصر در پس نقاب ادبیات نهفته است که با وجود خود سانسوری‌های زنانه و بی‌پروایی‌های مردانه، بازهم مشهود است و این رساله از آن‌ها رونمایی کرده است.

### **کلید واژه‌ها:**

تابو، تابوهای جنسیتی ، داستان، خود سانسوری ، هویت ایرانی



## « فهرست مطالب »

صفحه	عنوان
	● مقدمه
۱۴	پیشگفتار
۱۵	شرح مسأله
۱۸	اهداف پژوهش
۲۰	پرسش‌های پژوهش
۲۱	روش پژوهش
۲۲	پیشینه‌ی پژوهش
۲۳	مشکلات پژوهش
۲۴	سامان پژوهش
	● فصل ۱ - تابو و تابو شکنان
۲۶	۱-۱ تابو چیست؟
۲۸	۱-۲ انواع تابو
۲۸	۱-۲-۱ براساس زمان
۲۹	۱-۲-۲ براساس نوع
۲۹	۱-۲-۳ براساس نیروی جادویی «مانا»

۳۱	۴-۲-۱ تابوی مقدس یا شیطانی
۳۶	۳-۱ مجازات تابوشکنی
۳۷	۴-۱ اهداف تابو
۳۹	۵-۱ مهم‌ترین تابوها
۴۰	۶-۱ تابو در جامعه‌ی ایران
۴۴	۷-۱ تابو در داستان
<b>● فصل ۲ - تابو در آثار زنان داستان‌نویس</b>	
۵۱	۱-۲ مباحث این فصل
۵۱	۲-۲ خودسانسوری و زبان غیرمستقیم
۵۴	۱-۲-۲ انواع روایت غیرمستقیم در داستان
۵۷	۳-۲ تابوهای مطرح شده در داستان‌های زنان
۵۷	۱-۳-۲ مادر
۶۰	۲-۳-۲ پدر
۶۲	۳-۳-۲ دین و اعتقادات مذهبی
۶۴	۴-۳-۲ حجاب
۶۶	۵-۳-۲ اعمال ممنوعه‌ی عرفی
۶۹	۶-۳-۲ پدیده‌های جدید
۷۰	۷-۳-۲ جنگ و سیاست
۷۶	۸-۳-۲ خودکشی
۷۸	۹-۳-۲ زن بودن
۸۰	۱۰-۳-۲ عشق
۸۱	۱۱-۳-۲ مسائل جنسی
۸۲	۱-۱۱-۳-۲ ازدواج، صیغه، طلاق
۸۵	۲-۱۱-۳-۲ زن مطلقه، زن بیوه

۸۷	۳-۱۱-۳-۲ بکارت، شب زفاف
۸۸	۳-۱۱-۴-۲ نازایی، پیری
۹۰	۳-۱۱-۵-۲ همجنس گرایی
۹۰	۳-۱۱-۶-۲ ازدواج مجدد
۹۲	۳-۱۱-۷-۲ خود فروشی
۹۶	۳-۱۱-۸-۲ رضایت جنسی و عاطفی

### ● فصل ۳- تابو در آثار مردان داستان‌نویس

۱۰۳	۱-۳ آزادی بیان
۱۰۴	۲-۳ تابوهای مطرح شده در داستان‌های مردان
۱۰۴	۱-۲-۳ مادر
۱۱۱	۲-۲-۳ پدر
۱۱۶	۳-۲-۳ دین و اعتقادات مذهبی و معنوی
۱۲۹	۴-۲-۳ اعمال ممنوعه‌ی عرفی
۱۳۶	۵-۲-۳ مبارزه و سیاست
۱۴۶	۶-۲-۳ مرگ و عالم ماوراء
۱۵۵	۷-۲-۳ زن
۱۵۵	۱-۲-۳-۷-۱ حجاب
۱۵۸	۲-۲-۷-۲ عشق
۱۶۱	۳-۲-۸-۱ مسائل جنسی
۱۶۲	۳-۲-۸-۱ ازدواج، صیغه، طلاق
۱۶۵	۳-۲-۸-۲ زن مطلقه، زن بیوه
۱۶۶	۳-۲-۸-۳ بکارت، شب زفاف
۱۶۹	۳-۲-۸-۴ ازدواج مجدد
۱۷۰	۳-۲-۸-۵ نازایی، ناباروری، ناتوانی جنسی

۱۷۲	۳-۲-۸-۶ رضایت جنسی و عاطفی
۱۷۵	۳-۲-۸-۷ نیاز جنسی و فحشاء
۱۷۹	۳-۲-۸-۸ حرامزادگی
۱۸۲	۳-۲-۸-۹ انحرافات جنسی

### • فصل ۴ - جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱۸۷	۴-۱ تابوهای مهم
۱۸۷	۴-۲ تابو و تمدن
۱۸۹	۴-۳ تابو و طبقه
۱۹۰	۴-۴ تابو و جنسیت
۱۹۱	۴-۵ تابو و زمان و مکان
۱۹۳	۴-۶ تابو و زبان
۱۹۵	۴-۷ تابوودین
۱۹۷	۴-۸ تابو و غریزه
۱۹۷	۴-۹ تابو و خرافات

۲۰۰

### • پیشنهادها

### منابع و مراجع

## ● مقدمه

## پیشگفتار

پژوهش حاضر یکی از بی‌شمار محصولات ادبی - پژوهشی‌یی است که توسط دانش آموختگان رشته‌ی ادبیات تولید می‌شود و سعی دارد به گونه‌ای بارز و آشکار کاربردی و تازه باشد تا از سرنوشت عمومی چنین تولیداتی که یا در طبقات کتابخانه‌ها خاک می‌خورند یا در فرجامی بهتر به صورت کتاب یا مقاله در ویرتین کتابفروشی‌ها و دل مجلات دچار مرور زمان می‌شوند فاصله بگیرد. از سوی دیگر، نگرش توده‌ی مردم به دانش ادبیات این است که مباحث و متون ادبی صحنه‌ی طرح مسائل شاعرانه و رمانتیک و لفاظی‌های احساسی است و در زندگی انسان عصر مدرن و پسامدرن، نه جایگاهی کاربردی دارد نه ضرورتی سودمند. دغدغه‌ی این گونه فرجام‌ها و نگرش‌ها باعث شد تا در این پژوهش بیش از هر چیز به یافتن نتایجی کاربردی از آثار ادبی و ارائه‌ی راهکاری برای استفاده از این یافته‌ها در زندگی امروز توجه شود تا به نتایجی منتهی شود که ارزش‌های جامعه شناختی و روانشناختی داشته باشند و مسؤولین این حوزه‌ها بتوانند در راستای برنامه ریزی‌های فرهنگی خود از آن استفاده کنند.

قدر مسلم این انگیزه و این ادعا برای آثار پژوهشی دیگر نیز بوده است اما این که چنین هدفی در این رساله محقق شده باشد، لافی است که نه خوشایند نگارنده و بضاعت علمی اوست و نه در خور یک اثر پژوهشی. چرا که بی‌گمان برخوردار از نقائص مضمونی و روش‌شناختی و یا نتایج و داوری‌های شتابزده خواهد بود. شک علمی ایجاب می‌کند که کار خود را به مجاز جزء و کل، نمونه‌ای ناقص از تولیدات ادبی مؤثر تلقی کنم تا با توجه به آرای انتقادی کسانی که صاحب نظرند و گوشه‌ی چشمی بدان خواهند انداخت، اصلاح و تکمیل شده، خاک وجودش کیمیا شود.

پیشاپیش اذعان می‌دارم که با وجود وسواس شدیدیدی که در حفظ امانتداری و رعایت اخلاق علمی در ذکر منابع و مآخذ کتبی و شفاهی مطالب خود داشته‌ام، محتمل است که

ناخواسته جملاتی و یا مباحثی را از کسی یا جایی نقل کرده باشم که بدون ارجاع باشد و به اشتباه سخن خود فرض کرده باشم؛ به خصوص مطالبی که در سال‌های شاگردی‌ام در محضر اساتید بزرگوار خود شنیده و آموخته‌ام. قطعاً این اتفاق علیرغم میل و اراده‌ی قلبی من است و در کمال تواضع، تقاضای بخشش و تذکر دارم.

## شرح مسأله

وقتی غرض از انجام یک پژوهش ادبی و انتخاب موضوع آن، کاربردی بودن و ارزشمندی نتایج آن برای جامعه باشد، قطعاً دامنه‌ی موضوعات پیشنهادی، فراتر از حد مباحث صرف ادبی می‌رود و با مباحث مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و... درگیر می‌شود. در این میان موضوعات و مفاهیم حوزه‌ی مردم‌شناسی میان رشته‌ای تر هستند و از مباحث و اصطلاحات این حوزه، یکی از جنجالی‌ترین و بحث‌انگیزترین موارد، موضوع «تابوها» است؛ موضوعی که هم بسیار دیرینه است و هم زمان با عصر توت‌م پرستی و شناخت قواعد زندگی بشر بدوی و اقوام وحشی شروع شده است و هم تا روزگار ما که عصر تفکر و گفتمان و سرعت است پیش آمده و زنده مانده است.

عرصه‌ی هنر نیز در انواع تجلیات خود، همواره یکی از بهترین صحنه‌های تابوشکنی یا پرداختن به تابوها بوده است. شاید از دیدگاه نمادین، نخستین تجلی تابوشکنی، وسوسه‌ی آدم ابوالبشر در نزدیک شدن به میوه‌ی درخت ممنوعه باشد که با رانده شدن از بهشت عدن تاوان آن را پرداخته است. با این تعبیر، زندگی آدمی بر روی کره زمین با تابوشکنی آغاز شده و همچنان ادامه پیدا کرده است.

این که چرا تابوها وضع می‌شوند و چرا با وجود مجازات و کیفر عموماً سختی که در پی دارند شکسته می‌شوند مبحثی است که در پس شناخت و دسته‌بندی تابوها باید بدان پرداخت؛ اما در توجیه اهمیت و قدمت این موضوع، یک نگاه کلی و عمومی به انواع هنرپردازی‌ها کافی است تا مسبوق به سابقه بودن این موضوع در عالم هنر روشن شود.

ادبیات فارسی به ویژه در عرصه‌ی نظم همواره صحنه‌ی تابوشکنی بوده است. تابوهایی چون ناموس و ناموس پرستی، مقدسات مذهبی، روابط جنسی و عشق پردازی‌های مشروع و نامشروع، شاهدبازی، مظاهر قدرت اعم از آسمانی و زمینی و سیاسی، مادر، وطن و... به وفور در آثار متقدمان و متأخران و به طرق مختلف مطرح شده‌اند، فی‌المثل از آثار نظامی و سعدی و حافظ و مولانا گرفته تا سوزنی سمرقندی، عبید زاکانی، یغمای جندقی، وحشی بافقی، مهستی گنجوی، ایرج میرزا، فروغ فرخزاد، شاملو و... و جالب‌تر اینجاست که هر چه این تابوشکنی آشکارتر بوده، شهرت آن شاعر نیز و امدار آن شده و به ویژه از طرف توده‌ی مردم، به جنبه‌های دیگر آن آثار کمتر توجه شده است. فی‌المثل شاید فرهیختگان در طنز حافظ، تجاوز به حریم مقدسات شرعی را دریابند اما عوام او را عارف تسبیح به دست می‌شناسند چون تابوشکنی حافظ در پرده‌ای از ابهام و ایهام پنهان است، اما همین مخاطب عام با داستان «پیرزن و خر و کدو» در **مثنوی** مولانا همان قدر آشناست که با داستان «طوطی و بازرگان». یا ایرج میرزا را به توصیفات پورنوگرافی اش بیشتر می‌شناسد تا به شاهکار قطعه‌ی «قلب مادر». در عرصه‌ی نثر نیز چنین است. وقتی کسی سراغ هدایت می‌رود، **حاجی آقا و علویه خانم** جذاب‌ترین تا **سگ ولگرد** یا **بوف کور** و یا بار عمده‌ی جذابیت آثار «چوبک» بر دوش توصیفات ناتورالیستی او از غرایز قهرمانانش است. همچنین تا پیش از انتشار کتاب «آیات شیطانی»، کسی سلمان رشدی را به عنوان یک نویسنده نمی‌شناخت و اصولاً به واسطه‌ی همین کتاب شهره شد.

جالب این که آثاری هم که به این دلیل ممنوع و تابو می‌شوند، بیشترین توجه و تقاضا را در میان خوانندگان پیدا می‌کنند.

در عالم فیلم و سینما هم، چنین است. کارگردانان فیلم‌های پورنو یا آثاری که به تابوهای جنسی به عنوان یکی از سکانس‌های گذرای خود می‌پردازند به خوبی می‌دانند که قدرت این صحنه‌ها در جلب مخاطب تا کجاست. طرح تابوهای دیگر نیز همین قدر بر جاذبه و جنجال فیلم‌ها می‌افزاید. حتی در جامعه‌ی بسته و فضای محدود سیما و سینمای ایران نیز آثاری که حریم تابوها را شکسته باشند، یافت می‌شوند، از جمله فیلم‌های: **ده**، **زندان زنان**، **بمانی**،



زیر نور ماه، مارمولک، بانوی اردیبهشت، دنیا، رستگاری در هشت و ۲۰ دقیقه، ارتفاع پست، لیلی با من است، اخراجی‌ها و... .

شفیعی کدکنی در تبیین این سخن «بودلر<sup>۱</sup>» که «هر هنری از گناه سرچشمه می‌گیرد» می‌گوید:

«توفیق هر اثر هنری بستگی دارد به میزان تجاوزش به حریم تابوهای یک جامعه... تابو را در معنی عام آن به کار می‌برم که شامل هر نوع مفهوم «مسلط» یا «مقدس» در محیط اجتماعی باشد. به ویژه از این دیدگاه که می‌تواند مورد سوءاستفاده‌ی حاکمیت و قدرت‌ها قرار گیرد و جامعه را از سیر تکاملی بازدارد. مثلاً «صومعه» یک مفهوم مسلط و مقدس است. «خانقاه» در عصر حافظ یک مفهوم مسلط و مقدس است. «سکس» یک امر مسلط است که در شرق حالت تابو دارد. هر قدر تجاوز به حریم این تابوها بیشتر باشد، نفوذش و استمرارش بیشتر است.

مقایسه کنید عبید و سوزنی و حافظ را. سوزنی تجاوزی که دارد تجاوز به حریم واژگان سکس است یا به حریم چیزی که آن را «ناموس» خوانده‌اند. شاید به جای تابو اصلاً بشود ناموس را به کار برد... . مسلماً در مشرق زمین، به ویژه در قدیم، مردم به مسأله‌ی ناموس اهمیت بسیار می‌داده‌اند، سوزنی اساس کار خود را بر حمله یا اعتراض و تجاوز به قلمرو ناموس اشخاص قرار داده است. از مادر و خواهر و زن شخص مورد هجو، با کلماتی و اوصافی سخن گفته است که در حقیقت آن تابو یا آن ناموس مورد تجاوز شعر وی واقع شده است. اما حافظ هرگز چنین کاری را نکرده است. حافظ را تابوهای دیگری را مورد هجوم قرار داده است: صومعه، خانقاه را، محتسب و شحنه را و عبید حدفاصل سوزنی و حافظ است...» (شفیعی کدکنی ۳)

شاید در زبان و رفتار مردم در زندگی روزمره بی‌شمار تابوشکنی یافت شود که اگر بسامد بالایی داشته باشند قابل توجهند. اما وقتی اثری خلق می‌شود، دیگر مسأله متفاوت است. ماندگار می‌شود. تأثیر آن چندین برابر می‌شود. به ویژه اگر داستان باشد چون داستان صحنه‌ی نمایش زندگی و رخدادهاست. شخصیت‌ها و حوادث داستان همچون پرده‌های گوناگون از پی هم می‌روند و نیات و اعمال مختلف آن‌ها را نشان می‌دهند و مخاطب داستان نیز با آن‌ها همراه می‌شود. شاید همان طور که تأثیر یک اثر تراژیک بر مخاطب ایجاد کاتارسیس<sup>۲</sup> و تخلیه‌ی روحی است، و مخاطب از این که جای قهرمان نیست و فاجعه دامان او را نگرفته است

---

۱. شارل بودلر (Charles Baudelaire, bodler)، نویسنده‌ی فرانسوی (م ۱۸۶۷ - ۱۸۲۱)، وی در احساسات شاعرانه تعمق کرده. «منظومه‌های کوچک منتور» وی، ترجمه‌های او از «ادگار آلن پو»، انتقاداتش در باب هنر رمانتیک، مؤید آنست که وی در جستجوی زیبایی‌شناسی جدیدی بود. (فرهنگ معین)

۲. «تطهیر و تزکیه، ترجمه‌ی واژه‌ی یونانی کاتارسیس Catharsis است که از اصطلاحات مشهور نقد ادبی است... می‌توان «سبک شدگی» هم ترجمه کرد، زیرا عرض از آن این است که بیننده بعد از دیدن تراژدی از این که خود دچار چنان سرنوشت فجیعی نشده است احساس سبکی کند.» (شمیسا، انواع ادبی ۱۴۵)

احساس سبک شدگی می‌کند، در برخورد با یک فیلم یا داستان یا شعر تابودار یا تابوشکنانه نیز نوعی تشفی و ارضای امیال مخاطب نهفته باشد که او را جذب می‌کند. فی‌المثل دوست داشته باشد جای آن قهرمان بوده و آن تخطی را مرتکب شود، اما از ترس توانی که باید بپردازد جسارت نزدیک شدن به آن تابو را ندارد و هنرمند در اثرش امکان این فرافکنی را فراهم می‌سازد.

در این میان، دوره‌های تاریخی نیز در حیات و ممات تابوهای اجتماعی نقش مهمی دارند و از این لحاظ پرداختن به تابوهای داستان فارسی در خلال سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۰، اهمیت بسیاری پیدا می‌کند زیرا این سال‌ها در تاریخ اجتماعی ایران دربردارنده‌ی تغییرات و حوادث گوناگون و مهمی‌اند و قطعاً خط قرمزهای بسیاری از بین رفته یا آفریده شده‌اند و یا به صورتی دیگر تغییر شکل داده و باقی مانده‌اند. تابوهایی که در آثار این سال‌ها منعکس شده‌اند ارزش‌های جامعه شناختی و روانشناختی بی‌شماری دارند، ضمن این که می‌توان با استناد به آن‌ها تاریخ اجتماعی و سیر تغییرات فرهنگی ایران را بدون ملاحظه و خطا، از نو نوشت.

قدر مسلم در جامعه‌ی در حال گذار ما که تغییر دیدگاه‌ها و مبادله‌ی فرهنگی نسل‌ها، باعث ایجاد فاصله، پریشانی و بی‌نظمی اجتماعی بسیار شده است، دغدغه‌ی ساماندهی به این آشفتگی فرهنگی برای بسیاری از متفکران معاصر وجود دارد و بر پژوهشگران علوم انسانی واجب است که بخش عمده‌ی مطالعات خود را به این سمت و سو بکشانند و جسارت لازم را به خرج دهند. البته فرهیختگانی پیشرو در این حوزه قدم برداشته‌اند، منتهی به جای پاسداشت، با بغض و بخل مواجه شده و توان تابوشکنی‌شان را نیز پرداخته‌اند. فی‌المثل کتاب **شاهد بازی در ادبیات فارسی** از سیروس شمیسا خود یک اثر تابوشکنانه و پیشرو در تاریخ‌گرایی‌نویین بوده است اما در این حوزه همچنان کتاب **تاریخ جنون** نوشته‌ی میشل فوکو شاهد مثال است و اشاره‌ای به کتاب **شاهد بازی** نمی‌شود.

این رساله در ادامه‌ی مسیر علمی این آثار نوشته شده است، شاید تمرینی باشد برای فتح باب این موضوعات و نیل به اهداف متعالی و سودمند.

## اهداف پژوهش

جامعه‌ی امروز ما، بنیان متزلزل، واخورده و درهم ریخته‌ای است که از سویی چارچوب‌های سنتی خود را درهم شکسته تا به حوزه‌ی توسعه در همه‌ی ابعاد آن وارد شود و از سوی دیگر به دامان همان سنت چنگ زده تا هویت خود را حفظ کند. اما آنچه بیش از همه، باعث ناکامی و سرخوردگی در عرصه‌ی فرهنگ و تحولات اجتماعی شده، ارائه‌ی تصویری نادرست از حقیقت فرهنگی و مطالبات جامعه‌ی امروز به برنامه‌ریزان این حوزه می‌باشد و طبیعی است که اگر عرضه و تقاضا با هم هماهنگ نباشند هم نیازمندی باقی می‌ماند هم راهکارهای ارائه شده مفید فایده و پاسخگو نیستند.

ملت ما، همواره بر سر دو راهی عرف و شرع بوده و از تسلط این دو قانون گاه ناهمخوان به انتخاب‌های دوگانه و سطحی و موقتی پناه برده است. همچنین در این فضای نابسامان به سمت عقلانیت و دموکراسی و آزادی و مدرنیته نیز گام برداشته است. حال در چنین جامعه‌ای که اکثر افراد آن به انواع قانون‌گریزی‌ها بیشتر می‌اندیشند تا قانون‌مندی‌ها، ارائه‌ی تصویری نادرست از گذشته‌ای دور و طلایی به چه کار می‌آید؟ درست مثل این که تشنه‌ای در بیابان بنشیند و علاوه بر سراب روبرو، پشت سر نیز سراب ببیند و نداند که اگر به عقب برگردد سیراب می‌شود یا اگر به جلو برود چشمه می‌یابد.

یکی از چاره‌ها و گریزهای ناگزیر در شناخت هویت فرهنگی امروز، شناختن و دسته‌بندی خط قرمزهای رایج و زنده‌ی جامعه است تا پس از دسته‌بندی آن‌ها، معلوم شود کدام‌ها باید حذف شوند و کدام‌ها باید تغییر کنند یا تقویت شوند. به بیان دیگر، تابوهای هر اجتماعی خواسته‌ها، ترس‌ها و امیال آن فرهنگ را نشان می‌دهند. به ویژه این که آیا حرمتشان از طرف آن اجتماع شکسته می‌شود یا پاس داشته می‌شود.

در کلیه‌ی مباحث فوق تکیه بر دو فرض زیراست:

- ۱- متون داستانی منبع سرشار و قابل استنادی برای بازنمایی تابوها هستند.
- ۲- تابوها، ممنوعیت‌ها و تحریم‌هایی هستند که از دل امیال و خواهش‌های روان آدمی برخاسته‌اند.

این رساله درهدف کلی خود قصد دارد تابوهای جامعه‌ی ایرانی را از خلال متون داستانی تابوهای مختلفی که معرفی می‌شوند را دسته‌بندی و ساماندهی کند؛ و در این میان به مبحث جنسیت (Jender) به عنوان یک ممیز مهم در دسته‌بندی نگاه می‌کند؛ هم جنسیت نویسنده هم جنسیت قهرمان داستان.

اهداف جانبی دیگری نیز تأمین می‌شوند، از جمله جمع‌بندی مبحث «تابو»، هم در تعریف، هم در انواع، هم در تطبیق با جامعه‌ی ایرانی و ارائه‌ی مصادیق معاصر و عینی و ملموس. که به نوبه‌ی خود پیشینه‌ای ندارد و برای پژوهش‌های بعدی بسیار قابل استفاده است.

در این رساله بیشترین توجه به تعلیل و تحلیل تابوهایی است که شکست آن‌ها بسامد بیشتری داشته است چرا که اصلی‌ترین غرض نیز یافتن همین تابوها بوده است و توضیحات مربوط به آن‌ها نیز با تفصیل بیشتری ارائه شده تا زمینه‌ی ورود به مباحث فرهنگی و اعتقادی مهیا شود.

## پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش سعی می‌شود تا پرسش‌های زیر پاسخ داده شوند:

- ۱- تابو چیست؟ و انواع آن کدام است؟
- ۲- در جامعه‌ی ایران چه تابوهایی یافت می‌شود؟ به ویژه کدام تابوها امروزه قدرتمند و حاکم هستند و کدام تابوها ضعیف شده‌اند و یا در میان مردم حرمتشان کم رنگ شده است؟
- ۳- چه ارتباطی میان تابوهای یک فرهنگ و آثار داستانی آن فرهنگ وجود دارد؟ به عبارت دیگر کدام ویژگی‌های انواع داستانی باعث می‌شوند که در یافتن تابوهای یک جامعه بتوان به آن‌ها استناد کرد؟
- ۴- تابوهایی که در داستان‌های فارسی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۰ مطرح شده‌اند عموماً کدام‌ها هستند؟
- ۵- کدام تابوها بیش از همه شکسته شده‌اند؟ علت شکستن حرمت این تابوها چه بوده است؟ به عبارت دیگر آیا در متن داستان این تابوشکنی‌ها توجیه شده‌اند؟